

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۴۰

شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۲، ۲ سپتامبر ۲۰۲۳

جامعه‌ای انفجاری در آستانه سالروز انقلاب

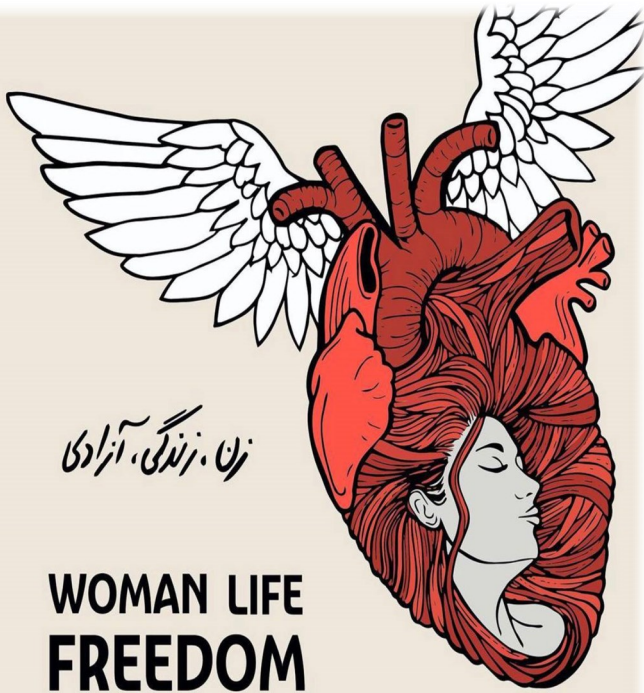
شهلا دانشفر

امروز گوشه‌گوشه جامعه گویای فضای خشم و انزجار بخش‌های مردم از وضعیت موجود است. اعتراضات بازنشستگان و پرستاران و معلمان و بخش‌های مختلف کارگران جنبوجوش و خشم و اعتراضات وسیعی را که در جامعه زهفته است بازتاب می‌دهد.

اعتراضات هر روزه بازنشستگان یک نمونه برجسته از رویدادهای مهم در جامعه است که بازتابی از فضای انقلابی در جامعه است. بازنشستگان این هفته در اعتراض به فقر و بردگی به خیابان آمده و در جایی مثل اهواز در شهر مارش رفتند و با شعار "درد ما، درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" کل جامعه را به اعتراض فراخواندند. آنها با دو شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "لشکری، کشوری، فولادی، تأمین اجتماعی اتحاد"، پرچم اتحاد کارگری علیه فقر و تبعیض و دزدی و بساط مافیایی حاکم را بلند کردند. آنها در حرکت اعتراضی روز هفتم شهریور در ساندنچ با فریاد "رئیس، قالیباف، این آخرین پیام است، جنبش بازنشستگان آماده قیام است"، پیام کل جامعه را به حکومت اعلام کردند. تجمعات بازنشستگان هر هفته با شمار بیشتری از شرکت کنندگان برگزار می‌شود و زنان حضور چشمگیری دارند. در این هفته بیش از هزار بازنشسته فولاد در شهر اصفهان تجمع داشتند. بازنشستگان در تجمعاتشان در این هفته در شعارهایشان بر خواسته‌هایی چون درمان رایگان، حق تجمع و اعتراض، آزادی معلمان زندانی، انحلال شورای عالی کار به‌عنوان مرجع رقم‌زدن دستمزدهای چند بار زیر خط فقر تأکید کرده و فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" را سر دادند. این چنین است که بازنشستگان به صدای رسای جامعه و اتحاد مبارزاتی طبقه کارگر تبدیل شده‌اند و این یک اتفاق سیاسی مهم در آستانه سالگرد انقلاب است. اعتراض همچنین در دیگر بخش‌های جنبش کارگری جاری است و در جایی مثل ماشین‌سازی اراک دو هفته است که کارگران در اعتصاب‌اند. همچنین شاهد اولتیماتوم‌های اعتراضی در مراکز مختلف نفتی و یا از سوی معلمان در برابر دستگیری‌ها و اخراج‌ها و حکم دادن‌ها هستیم. معلمان بانی طومار صدهزار امضایی برای آزادی همکاران در بند خود هستند.

جنبش قدرتمند دیگر امروز جنبش دادخواهی این ستون مهم انقلاب است. خانواده‌های دادخواه علی‌رغم سرکوبگری‌های حکومت، دستگیری‌ها و حمله به مزار جان‌باختگان

انقلاب، محکم و استوار ایستاده و شعار **ادامه در صفحه ۲**



زن، زندگی، آزادی

**WOMAN LIFE
FREEDOM**

**انقلاب جاری و موقعیت جهانی جمهوری اسلامی
تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید
صفحه ۳**

جمهوری اسلامی در محاصره مردم

مهران مجبی
صفحه ۶

فضای کردستان در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی

یک سؤال از نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب
صفحه ۷

اطلاعی‌های هفته اخیر

صفحه ۹



زن، زندگی، آزادی

بودند، دوباره به میدان آمده‌اند. روز پنجم شهریور بود که پرستاران و کادر درمانی بیمارستان میلاد تجمع داشتند و همان جا مردی از همراهان بیماران به میان تجمع کنندگان رفت و گفت ما مردم حمایتان می‌کنیم و پرستاران با فریاد شوق و شادی از این همبستگی باشکوه و با کف‌زدن شعار می‌دادند: "بیماران، همراهان حمایت حمایت". این اتفاق صحنه شورانگیزی از مبارزه و همبستگی است که فضای روزهای منتهی به انقلاب را به نمایش می‌گذارد.

زندان نیز ادامه اعتراض در کف خیابان است. حتی بی دادگاه‌های حکومت با صحنه‌های حماسی ای همچون حضور بی حجاب سپیده قلبان در دادگاه و تف کردنش به صورت آمنه‌سادات ذبیح‌پور بازجو خبرنگار صدواسیمای جمهوری اسلامی، به صحنه تقابل با حکومت سرکوب تبدیل می‌شود. این تف کردن به روی جمهوری اسلامی بود که دختر جوانی چون سپیده را به خاطر حمایتش از کارگران و انقلاب زن زندگی آزادی زندانی کرده و به دادگاه می‌کشد. بعلاوه بیانیه‌های زندانیان سیاسی از درون زندان و نیز فریاد دادخواهی آنان بعد از آزادی‌شان از زندان رویدادهای مهمی هستند که در تاریخ انقلاب مردمی ثبت است.

بعلاوه اعتراضات گسترده در شهرهای آذربایجان از جمله در تبریز و ارومیه به‌خاطر بی‌آبی و سیاست‌های چپاولگرانه حکومت در قبال معیشت مردم، اعتراضات مال‌باختگان در تاکستان و کشیده‌شدنش به تهران و فریاد اعتراض مردمی علیه بساط مافیایی دزدسالار حاکم، اعتراضات در دانشگاه‌ها این سنگر مهم انقلاب، و اعتراض در گوشه‌گوشه کشور فضای ملتهب انقلابی جامعه را به سمت انقلاب سوق می‌دهد.

در متن چنین تلاطمی از مبارزه فراخوان‌های بسیاری از سوی جوانان در شهرهای مختلف برای ۲۵ شهریور با تأکید بر شروع دوباره و برای اعتراضی سراسری در شهرهای مختلف چاپ و همه‌جا پخش شده است. فراخوان‌ها به آمدن به خیابان‌ها و شعاردهی شبانه است. یعنی هر شب ساعت ۹ همراه با پخش آژیر انقلاب به مناسبت ۲۵ شهریور شعاردهی خواهد شد. از جمله شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی به مناسبت سالروز قتل مهسا (ژینا) امینی و سالگرد انقلاب در سطح سراسری مردم را به "تجمعات اعتراضی گسترده محله محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی و در شهر سقز و استان کردستان به حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آییچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در کردستان" فراخوانده است. در همین بستر فعالین اجتماعی و سیاسی با اسم‌ورسم خود سخن می‌گویند. از جمله ابراهیم عباسی منجزی از فعالین و نمایندگان کارگری نیشکر هفت‌تپه با انتشار کلیپی به مناسبت سالگرد مهسا امینی سروده‌ای از خود را انتشار می‌دهد.

در برابر این جوش و خروش گسترده حکومت اسلامی هراسان گشت‌هایش را در همه‌جا مستقر کرده و می‌کوشد فضا را امنیتی کند و مردم و در جلوی صف آنان زنان و جوانان معترض سازمان‌یافته و متحد بر ۲۵ شهریور شروع دیگری از انقلاب تأکید دارند.

بدین ترتیب درحالی که حکومت رجزخوانی می‌کند که خیابان را جمع کرده و سرکوبگری‌هایش را شدت داده است، ما شاهد چنین ابعادی از تلاطم انقلابی در سطح جامعه هستیم و می‌بینیم که خیابان در ابعادی سازمان‌یافته‌تر خود را آماده رزم می‌کند. اینها همه پیشروی‌های ما و قدرت اتحاد ما مردم را به نمایش می‌گذارد. زیر فشار چنین قدرتی است که صفوف حکومت چنین درهم‌ریخته است. از جمله اخیراً بود که

حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران در همایش "مسئولین بسیج سراسر

جامعه‌ای انفجاری در آستانه سالروز انقلاب
از صفحه نخست



"قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان"، پیام محکم آنها به حکومت است. شعاری که در کوران انقلاب از سیستان و بلوچستان تا کردستان، از خوزستان تا تهران و همه‌جا در کف خیابان‌ها سر داده شد. این ایستادگی را همچنین امروز در کلیپ‌های خانواده‌های دادخواه و استوری‌هایشان در مدیای اجتماعی، و انتشار ویدئوهایی از عزیزان جان‌باخته‌شان و معرفی این چهره‌های رزمنده انقلاب که گلوله نصیبشان شد، مشاهده می‌کنیم. نهاد دادخواهان به مناسبت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، طی پیامی ۲۵ شهریور روز قتل مهسا امینی و فوران انقلاب زن زندگی آزادی را روزی تاریخی خوانده و کل جامعه را به تبدیل این روزبه‌روز اعتراض و دادخواهی سراسری و تعطیل کار و به خیابان آمدن و گل‌باران کردن مزار جان‌باختگان و محل کشته‌شدنش‌شان فراخوان داده‌اند. در این بیانیه دادخواهان از جهانی‌شدن صدای اعتراض خود سخن گفته و با اشاره بر بیانیه اخیر عفو بین‌الملل مبنی بر دستگیری و محاکمه سران جنایت‌کار حکومت به‌خاطر تمام جنایت‌هایشان، بر اتحاد مبارزاتی برای کشاندن تمامی آمرین و عاملین کشتارهای چندین ساله حکومت به پای میز محاکمه و عدالت سخن گفته‌اند. از سوی دیگر درحالی که حکومت از وحشت برآمد دیگر انقلاب خانواده‌های دادخواه را زیر فشار سختی گذاشته است تا یادمانی برپا نشود. مژگان افتخاری مادر مهسا امینی می‌نویسد: "مهسا امینی، سال گذشته چون آفتابی درخشان، خانه ما را پر نور کرد. به این امید که امسال هم یاد مهسا کشورمان را روشن و نورانی کند و آفتابی ازلی بر سپاهی‌های ایران بتابد و آزادی را مژده دهد. نور بر ظلمت پیروز است". از سوی دیگر قرار و مدارها برای گرامیداشت یاد مهسا و دیگر جان‌باختگان انقلاب در سالروزهای قتلشان در سقز و دیگر شهرها گذاشته شده است و این موج دادخواهی از هم اکنون با شدت به‌پیش می‌رود. بعلاوه اینکه درودیوار با شعارنویسی‌ها به این مناسبت پر شده و فراخوان‌ها برای گرامیداشت سالروز انقلاب بسیار است.

یک عرصه مهم دیگر نبرد مردم با حکومت حجاب است. حجاب که با قتل مهسا امینی باعث فوران انقلاب شد. انقلابی که در آن حجاب‌ها به آتش کشیده شد و امروز موج بی‌حجابی خیابان‌ها را فراگرفته است. حکومت که خود را شکست‌خورده می‌بیند با انواع طرح‌ها جلو آمد تا این سنگر فتح شده را باز پس گیرد و خصوصاً امروز در آستانه سالگرد انقلاب بر سرکوبگری‌هایش شدت داده است. از جمله شماری از فعالین زن در گیلان بازداشت شدند و این دستگیری‌ها تداوم دارد. مهدی یراچی خواننده محبوب مردمی به‌خاطر ترانه‌هایش و خواندن ترانه "روسریتو بردار" دستگیر شد و امروز کارزاری قدرتمند برای آزادی او به راه افتاده و بازتابی جهانی پیدا کرده است. در کف خیابان نیز می‌بینیم آنجا که به زنی به‌خاطر حجاب حمله می‌شود، با تعرض شجاعانه این زنان به سرکوبگران و حمایت باشکوه مردمی روبرویم. مردم با تمام قدرت این سنگر فتح شده را که ضربه بر کمر آپارتاید جنسی حاکم است پاس می‌دارند.

صحنه باشکوه دیگر از اعتراضات مردمی در همین هفته اعتراضات پرستاران و کادر درمانی در چند شهر و به طور مشخص در مقابل بیمارستان میلاد تهران بود. پرستاران که نقش مهمی در انقلاب و نجات جان زخمی‌شدگان تیرخورده از سوی سرکوبگران حکومت داشته و در جنگ با کرونا و حکومت کرونایی در جلوی صحنه جنگ



انقلاب جاری و موقعیت جهانی جمهوری اسلامی تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید (برای تماشای این برنامه بر روی عکس کلیک کنید)

این تحولات را نمی‌شود از تاریخ پاک کرد. گرچه الان تظاهرات‌های خیابانی و تجمعات فروکش کرده، و جمهوری اسلامی توانسته به نحوی با جنایت‌هایی که انجام می‌دهد فعلاً ابعاد خیابانی اعتراضات را کمتر بکند، اما این امر به این معنی نیست که در سطح جامعه همه چیز سر جای اولش برگشته و هیچ اتفاقی نیفتاده. این طور نیست. این محکوم کردن‌ها، همانطور هم که شما اشاره کردید هنوز ادامه دارد. در دل این شرایط سازمان عفو بین‌الملل این گزارش کاملاً افشاگرانه از حکومت را منتشر می‌کند و خواستار آن می‌شود که مقامات مسئول در جمهوری اسلامی تحت تعقیب قرار بگیرند. این ادامه همان روندی است که حتی قبل از انقلاب جاری شروع شده بود و در انقلاب به اوج خودش رسید.

به نظر من چیزی که تعیین‌کننده و خصلت‌نمای این شرایط است ادامه اعتراض و مبارزه مردم در ابعاد و اشکال مختلف علی‌رغم همه جنایات و سرکوبگری‌ها حکومت است. جمهوری اسلامی در مقابله با دریایی از خشم و نفرت و اعتراض مردم ایران وحشیانه‌ترین جنایت‌ها را مرتکب شده است و بی‌اعتباری جهانی حکومت نیز ناشی از همین امر است.

حسن صالحی: کشورهای عضو گروه بریکس در هفته گذشته جمهوری اسلامی را به عضویت پذیرفتند. شما اخیراً در یادداشتی با عنوان "گرداب انقلاب و ریسمان بریکس" نوشتید که عضویت در این گروه دردی از جمهوری اسلامی دوا نخواهد کرد. چرا؟ فکر نمی‌کنید پیوستن به گروه بریکس بتواند بحران اقتصادی حکومت را تخفیف بدهد و یا حل بکند؟

حمید تقوایی: به نظرم چنین امکانی وجود ندارد. دلیلش هم روشن است. روابط اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی با روسیه و چین و دیگر اعضای بریکس امر تازه‌ای نیست. همیشه این دولت‌ها با جمهوری اسلامی همکاری وسیعی داشته‌اند، مبادلات اقتصادی وسیعی داشته‌اند. قبل از برجام، بعد از برجام، در دوره برجام، اینها همیشه زیر بغل جمهوری اسلامی را گرفته‌اند و سعی کرده‌اند به نحوی تحریم‌ها را دور بزنند و مبادلات اقتصادی هرچه گسترده‌تری با جمهوری اسلامی داشته باشند. از این نظر اتفاق تازه‌ای نیفتاده است. این طور نیست که با عضویت در بریکس تازه درب بازارهای این کشورها به روی جمهوری اسلامی باز شده. این همیشه وجود داشته و

حسن صالحی: درحالی که جمهوری اسلامی مدعی است که با یکسری اقدامات توانسته به اصطلاح خودشان "پروژه منزوی کردن جمهوری اسلامی" را خنثی کند، سازمان عفو بین‌الملل با انتشار گزارش مفصلی از تداوم جنایات و سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی خواهان دستگیری و بازداشت عوامل این سرکوب‌ها است. در این مصاحبه می‌خواهیم به این دو موضوع بپردازیم.

حمید تقوایی! ماه‌های آغاز انقلاب شاهد موضع‌گیری سیاستمداران و نمایندگان پارلمان‌ها و حتی برخی دولت‌های غربی علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از خیزش انقلابی در ایران بودیم. از جمله جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج شد و در کنفرانس امنیتی مونیخ هم راهش ندادند. اما این روند ادامه پیدا نکرد و با فروکش کردن تظاهرات خیابانی در ماه‌های اخیر دولت‌های غربی مناسبات مماشات‌جویانه قبلی خود با رژیم را از سر گرفتند. اخیراً خبرگزاری فارس به روابط و مناسبات جدید دولت‌ها با حکومت نظیر آزادی اسدالله اسدی و یا تجدید رابطه با عربستان و پذیرش جمهوری اسلامی به گروه بریکس اشاره کرده و نتیجه گرفته است که پروژه منزوی کردن رژیم شکست‌خورده است. نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: قبل از هر چیز باید بگویم که نفس چنین مقاله‌ای از جانب خبرگزاری رسمی دولتی جمهوری اسلامی خود نشان‌دهنده وضع کاملاً بحرانی و مستأصل حکومت است. حکومتی به این افتخار می‌کند که منزوی نشده است که تلاش مخالفینش برای منزوی کردن او به نتیجه نرسیده! اینکه چقدر واقعاً این طور است بحث دیگری است؛ ولی نفس همین ادعا نشان می‌دهد حکومت واقعاً به چه موضع دفاعی افتاده که دلش را به این خوش کند که من لاقول منزوی نیستم!

اما اصل موضوع چیست؟ به طور واقعی جمهوری اسلامی در اثر انقلاب تشت رسوایی‌اش از بام‌ها فروافتاد. در دنیا افشا و رسوا شد. جنایت‌هایی که در تاریخ بشری سابقه نداشته از حکومت رو شد و به همین خاطر بخش زیادی از آزادی‌خواهان، از نیروهای مترقی، از حتی شخصیت‌ها و چهره‌های دولتی و حکومتی، نمایندگان پارلمان‌ها و غیره عکس‌العمل نشان دادند. اعتراض کردند به جمهوری اسلامی و در کنار انقلاب زن زندگی آزادی قرار گرفتند. شعار زن زندگی آزادی جهانی شد و مردم جهان به حمایت از این شعار برخاستند.

ملل اخراج شد و در کنفرانس امنیتی مونیخ هم راهش ندادند. این روند تثبیت نیست، برعکس سرایشی رسوائی و بی‌اعتباری جهانی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی است.

به گزارش اخیر عفو بین‌الملل اشاره کردید. این اولین باری نیست که چنین گزارش علیه جمهوری اسلامی منتشر می‌شود. در چند سال اخیر هر ساله چنین گزارشاتی منتشر شده که با زبان صریحی جمهوری اسلامی را افشا و محکوم کرده است و خیزش انقلابی در یک سال اخیر باعث شده نهادهای مدعی حقوق بشر. نظیر عفو بین‌الملل با لحن و زبان تندتر و کوبنده‌تری جمهوری اسلامی را محکوم کنند.

اینها نشان‌دهنده موقعیت جهانی جمهوری اسلامی است. به نظر من رابطه حکومت با دولت‌ها نیز اساساً متأثر از موقعیت رژیم در خود ایران و نهایتاً جنبش انقلابی است که حکومت را به چنین وضعیتی و خیمی رانده است. تجدید رابطه با عربستان هم اساساً در پاسخ به انقلابی که جمهوری اسلامی را سردرگم و درمانده کرده است، صورت می‌گیرد.

می‌توانم بگویم که اگر این انقلاب نبود، مطمئن باشید که جمهوری اسلامی به این صرافت نمی‌افتاد که در روابطش با عربستان سعودی تغییری بدهد. این در مورد مواضع دیگری که رژیم در رابطه با مثلاً برجام و اروپای واحد و غیره اتخاذ کرده نیز صدق می‌کند. موضع‌گیری‌های منطقه‌ای و جهانی حکومت خود ناشی از یک نوع موضع دفاعی حکومت در مقابل انقلابی است که از هر طرف محاصره‌اش کرده و باید به آن جواب بدهد. می‌توان گفت که رابطه با عربستان و یا پذیرفته‌شدن به بریکس در این شرایط قبل از هر چیز برای حکومت، و حتی برای هم‌پیمانان حکومت مثل روسیه و چین، این اهمیت را دارد که رسوائی و بی‌اعتباری جهانی جمهوری اسلامی در نتیجه انقلاب زن زندگی آزادی را خنثی کند. این تصویر را بدهد که این حکومت در سطح بین‌المللی پذیرفته شده است، یک حکومت به رسمیت شناخته شده است، در پیمان‌های بین‌المللی پذیرفته می‌شود و غیره. هدف این تلاش‌ها این است که به نحوی جواب انقلاب ایران را بدهند.

حتی از نظر حکومت هم همین‌طور است. همچنان که ابتدا اشاره کردم مقاله خبرگزاری فارس در این مورد خیلی خصلت نما و خیلی گویا است. تمام این فاکت‌ها که با عربستان رابطه برقرار کردیم و رئیس‌ی به چین سفر کرد و به بریکس پذیرفته شدیم و اسدالله اسدی آزادی شد و غیره ردیف شده برای اینکه بگوییم ما منزوی نیستیم! این خود نشان می‌دهد که اینها را در کارنامه‌شان در ستون مقابله با انقلاب ایران و مقابله با نیروهای اپوزیسیون که تلاش داشتند رژیم را منزوی کند، وارد می‌کنند و از این نظر برایشان اهمیت دارد. به همین خاطر من فکر می‌کنم اگر این انقلاب نبود این اتفاقات هم نمی‌افتاد و روند مناسبات رژیم با دولت‌ها شکل دیگری به خود می‌گرفت. این امر نشان می‌دهد که چطور انقلاب در ایران حتی رابطه و مناسبات دولت‌ها با جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چه در بلوک روسیه و چه در رابطه با غرب.

حسن صالحی: در این مصاحبه چند بار به گزارش اخیر عفو بین‌الملل اشاره کردیم. این گزارش حدود چهل و چند صفحه است و به ظلم و ستمی که در ماه‌های اخیر و در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی به خانواده‌های جان‌باختگان روا داشته شده مشروحاً پرداخته و از زوایای مختلفی از جنایات حکومت پرده‌برداری می‌کند. می‌خواهم اهمیت این گزارش را بخصوص در شرایطی که دولت‌ها مشغول سازش و ممانعت با جمهوری اسلامی هستند، از زبان شما بشنویم.

حمید تقوائی: از دو جنبه این گزارش اهمیت دارد. جنبه اول این است که به طور جامع و مستندی جنایت‌های حکومت در این دوره اخیر در مقابله با

باین‌حال جمهوری اسلامی هر روز بحران‌زده‌تر شده و از نظر اقتصادی به‌خصوص به ورشکستگی کشیده شده. حتی در دوره‌ای که برجام هنوز جریان داشت و جمهوری اسلامی مقدار زیادی کمک‌های مالی دریافت کرد، میلیاردها دلار پول دریافت کرد و سرمایه‌گذاری‌ها به نحوی شروع شد و غیره، آن زمان هم هنوز بحران اقتصادی حکومت تخفیفی پیدا نکرد. به مردم هیچ چیزی نرسید. پول‌ها همه در جیب‌های گشاد آیت‌الله‌ها و مقامات گم شد، و از طرف دیگر از نظر فعالیت‌های اقتصادی هم اتفاقی نیفتاد. الان که دیگر برجام کاملاً مرده و کنار رفته وضعیت جمهوری اسلامی بسیار وخیم‌تر از هر دوره دیگری است.

باتوجه به این واقعیات بخصوص در این شرایط رابطه با چین و روسیه و یا کشورهایی مثل آفریقای جنوبی و برزیل و غیره نمی‌تواند جوابی به بحران مژمن حکومت باشد. اگر می‌توانست دردی از حکومت دوا کند تا حالا این اتفاق افتاده بود. حکومت از نظر اقتصادی کاملاً در بن‌بست است، کاملاً در تنگناست و راهی به جلو ندارد و این نوع تلاش‌ها هم نتیجه‌ای نخواهد داد.

از نظر سیاسی هم اساس معضل جمهوری اسلامی رابطه بحرانی و پر تنش با دولت‌های غربی، آمریکا و کشورهای اروپائی، است و نه با بلوک روسیه و چین. این کشورها که همیشه حامی جمهوری اسلامی بوده‌اند. کشورهای دیگر عضو بریکس هم مشکلی با جمهوری اسلامی نداشته‌اند. اما تا آنجا که به رابطه با کشورهای بلوک غرب مربوط می‌شود رابطه بحرانی حکومت با غرب همچنان سر جای خودش هست. گرچه در حال حاضر، با فروکش کردن تظاهرات و تجمعات خیابانی دولت‌ها و مقامات حکومتی در غرب که در ماه‌های آغاز انقلاب مواضع تندتری علیه جمهوری اسلامی اتخاذ کرده بودند، به سیاست‌های ممانعت‌جویانه همیشگی‌شان بازگشته‌اند؛ اما سیاست همیشگی‌شان به رسمیت‌شناختن جمهوری اسلامی و جا باز کردن برای او در بازار جهانی نبوده است و هنوز هم نیست. دارند زندانی‌ها را با کسانی که جمهوری اسلامی به گروگان گرفته مبادله می‌کنند و یا پول‌های بلوکه‌شده‌اش را برمی‌گردانند و از این قبیل اقدامات. اینها هیچ کدام به این معنی نیست که جمهوری اسلامی در جهان غرب، در بازار جهانی، در اقتصاد جهانی جایی برای خودش باز کرده. از این رو باید گفت هم از نظر اقتصادی هم از نظر سیاسی پذیرفته‌شدن جمهوری اسلامی به بریکس نمی‌تواند دردی از این حکومت دوا کند.

حسن صالحی: یک واقعه مهم این است که جمهوری اسلامی روابط خودش را با عربستان عادی کرده است. امروز با عربستانی که همیشه علیه‌ش شعار می‌دادند و دشمنی می‌ورزیدند، روابط دیپلماتیک برقرار کرده‌اند. فکر نمی‌کنید این امر نشانه‌ای از آغاز روند تثبیت جمهوری اسلامی در منطقه و نهایتاً در سطح جهانی باشد؟ خود حکومتی‌های چنین ادعائی دارند.

حمید تقوائی: در کنار این فاکتور رابطه با دولت‌ها فاکتور مهم‌تری وجود دارد که کاملاً تعیین‌کننده است: فاکتور خیزش توده‌ای مردم ایران که یک سال است علیه حکومت ادامه دارد. این خیزش که خود مردم آن را انقلاب می‌نامند، انعکاس جهانی پیدا کرده و مردم دنیا، چهره‌ها و شخصیت‌های حتی هنری و ورزشی، بخشی از سیاستمداران، نیروهای مترقی، و نهادهای بین‌المللی این‌ها همه توجه‌شان به انقلاب زن زندگی آزادی جلب شده و در حمایت از این انقلاب و علیه جمهوری اسلامی به اشکال مختلف موضع گرفته‌اند و حتی دولت‌ها دست به اقداماتی زدند. همان‌طور که در ابتدا اشاره کردید جمهوری اسلامی از کمیسیون زنان سازمان

چهره‌ها، خیلی از نمایندگان پارلمان‌ها، خیلی از شخصیت‌ها خواستار این خواهند شد که این امر صورت بگیرد. به نظر من اوج‌گیری انقلاب، همانطور که در دور اول دولت‌ها و همه دنیا را متوجه حقانیت مبارزات مردم ایران کرد و جمهوری اسلامی را در منگنه قرار داد، در دور دوم این حمایت از مبارزات مردم و محکوم کردن جنایت‌کاران حاکم در ایران شکل گسترده‌تر و عمومی‌تری به خود خواهد گرفت. درهرحال عامل تعیین‌کننده رابطه جمهوری اسلامی با مردم ایران است. هرچه مردم فعال‌تر و گسترده‌تر و هم‌بسته‌تر به میدان بیایند و اعتراض کنند، و هرچه تظاهرات و اعتصابات و تجمعات گسترده‌تر بشود در سطح جهانی هم ما شاهد موضع‌گیری‌های بیشتر و فعال‌تری علیه جمهوری اسلامی و انزوای بیشتر حکومت خواهیم بود.

حسن صالحی: حزب مدت‌هاست سیاست بایکوت جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند. برای پیشبرد این سیاست در شرایط حاضر چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

حمید تقوائی: قبل از هر چیز باید بگویم که انقلابی که در ایران شکل گرفته و ادامه دارد کاملاً زمینه را فراهم کرده برای اینکه سیاست بایکوت و انزوای جهانی جمهوری اسلامی فعال‌تر و مؤثرتر به پیش برود. حزب ما مدت‌ها قبل از آغاز خیزش اخیر این پرچم را بلند کرده بود. خواست و هدف ما این است که جمهوری اسلامی به‌خاطر جنایت‌هایش علیه مردم ایران، جنایت علیه بشریت، در جهان منزوی و طرد بشود. باید بایکوت بشود. همانطور که رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بایکوت شد. وقتی انقلاب شکل گرفت توجه‌های بیشتری به این امر جلب شد و این خواست بایکوت کردن تبدیل شد به یک سری خواسته‌های مشخص مثل قرارداد سپاه پاسداران در لیست تروریست‌ها، مثل راه‌اندادن مقامات جمهوری اسلامی به دیگر کشورها، مثل بستن سفارتخانه‌های حکومت و غیره. اینها همه اجزاء مختلف سیاست بایکوت است. در واقع سیاست بایکوت کردن جمهوری اسلامی در یک سری خواسته‌های مشخص خود را نشان می‌دهد و با برآمد انقلاب این خواسته‌ها دیگر تنها امر حزب ما نبود بلکه مردم معترض در خارج کشور نیز در بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها و فراخوان‌هایشان این خواسته‌ها را اعلام می‌کردند.

ما تلاش می‌کنیم که این سیاست را فعال‌تر و پیگیرتر از گذشته به پیش ببریم. در این میان اتفاقاتی مثل همین گزارش عفو بین‌الملل بما کمک می‌کند که به طور مستند و با اتکا به نه‌تنها روشنگری و افشاکاری‌های حزب و دیگر نیروهای اپوزیسیون، بلکه با استناد به ارگان‌های معتبر جهانی خواست بایکوت رژیم تبهکار حاکم بر ایران را مطرح کنیم. نمونه‌ای که اخیراً در کانادا اتفاق افتاد که در اثر اعتراضات ایرانیان مقیم آن کشور وزیر بهداشت دولت روحانی را ممنوع‌الورود کردند، نشان می‌دهد که مبارزات ما مردم در کشورهای مختلف می‌تواند به نتیجه برسد. اگر اعتراضات و مبارزات در کانادا نبود این اتفاق نمی‌افتاد. این مبارزات را باید ادامه داد. به نظر من در عین اینکه نهایتاً اوج‌گیری مجدد انقلاب این روند را تشدید خواهد کرد و جمهوری اسلامی منزوی‌تر خواهد شد؛ ولی اوج‌گیری انقلاب خود بستگی دارد به اینکه ما از امروز چه می‌کنیم. ما فقط نظاره‌گران تاریخ نیستیم. حزب ما در ایجاد این شرایط انقلابی دخیل بوده و نقش داشته است و از این پس هم تلاش ما این خواهد بود که این پرچم منزوی کردن و بایکوت جهانی جمهوری اسلامی را همچنان در اهتزاز نگه داریم و گام‌به‌گام اقدامات مشخصی که به این هدف خدمت می‌کند را در دستور بگذاریم و دولت‌ها و ارگان‌های بین‌المللی را وادار کنیم که جمهوری اسلامی را طرد و منزوی کنند.

۳۰ اوت ۲۰۲۳، ۸ شهریور ۱۴۰۲

خانواده جان‌باختگان و کلاً در مقابله با اوج‌گیری مجدد انقلاب را به طور مستدلی افشا می‌کند. با عدد و رقم، با اسامی و با فاکت‌های غیرقابل‌انکاری نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به چه جنایت‌های هولناک و بی‌سابقه‌ای دست می‌زند. حمله به گورستان‌ها، خراب کردن سنگ قبرها و مزارها، حصار کشیدن دور گورستان‌ها، ممنوعیت مراسم سالگرد برای جان‌باختگان و بازداشت خانواده‌های آنان، اقداماتی نظیر اینها را شما در کارنامه هیچ دیکتاتوری پیدا نمی‌کنید. اینها تکان‌دهنده است و این گزارش این امر را محور قرار داده و به طور جامع و زنده و تکان‌دهنده‌ای به تصویر کشیده است.

جنبه دوم اهمیت این گزارش این است که به نتیجه و فراخوان عملی ای رسیده است. گفته است دولت‌ها این صلاحیت قضایی را دارند و این ممکن است که مقامات مسئول جمهوری اسلامی، مسئولین این کشتارها، را تحت تعقیب قرار بدهند. صریح می‌گوید این مسئولین باید بازداشت بشوند و این از نظر قضایی و حقوقی کاملاً ممکن است. دولت‌ها این صلاحیت و امکان قانونی را دارند، همانطور که صلاحیت قضایی داشتند که حمید نوری را محکوم کنند. این فراخوان عملی بسیار اهمیت دارد.

این اولین بار نیست که خواست محکومیت جهانی مقامات جمهوری اسلامی از جانب ارگان‌های بین‌المللی مطرح می‌شود. همانطور که بالاتر اشاره کردم در چند سال اخیر هر ساله عفو بین‌الملل چنین گزارشاتی منتشر کرده است. اگر یادتان باشد در پی خیزش ۹۸ این نهاد در گزارشی با عنوان "ویرانگران انسانیت" جمهوری اسلامی را به‌خاطر جنایت علیه بشریت محکوم کرد.

این روند را شما بگذارید در کنار دادگاه‌هایی که قبل از انقلاب جاری در خارج کشور برای محکومیت جمهوری اسلامی تشکیل شد. دادگاه حمید نوری در استکهلم، دادگاهی در ایالت انتاریو کانادا برای محاکمه مسئولین شلیک به هواپیمای اوکراینی که در آن به طور غیابی خامنه‌ای و سران سپاه محاکمه و محکوم شدند. دادگاه نمادین مادران آبان در دادخواهی از خانواده‌های جان‌باختگان خیزش ۹۸ که تبدیل شد به تریبونی برای اعلام کیفرخواست علیه جمهوری اسلامی و محاکمه کل حکومت به‌خاطر جنایاتش در آبان ۹۸ و در همه دوران حکومتش. گزارش امروز عفو بین‌الملل در ادامه این روند منتشر می‌شود.

این روند ادامه دارد و مطمئن باشید ما شاهد گزارشات بیشتری علیه جمهوری اسلامی خواهیم بود و همچنین تقاضاهای بیشتری برای محکوم کردن و بازداشت مقامات مسئول کشتارهای اخیر در ایران.

حسن صالحی: در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی هستیم و مردم دارند خودشان را برای دور جدیدی از اعتراضات آماده می‌کنند. سالروز مرگ مهسا می‌تواند به موج جدید انقلاب منجر بشود. فکر می‌کنید این امر چه تأثیری بر جایگاه جهانی جمهوری اسلامی خواهد داشت؟

حمید تقوائی: روشن است که با گسترش اعتراضات خیابانی جمهوری اسلامی از این هم. منزوی‌تر و درمانده‌تر خواهد شد. همانطور که در ماه‌های اول انقلاب شاهد این بودیم که بسیاری از چهره‌ها و سلبریتی‌ها و سیاستمداران و دولت‌ها علیه جمهوری اسلامی موضع گرفتند، با برآمد مجدد انقلاب نیز این امر در سطح وسیع‌تری اتفاق خواهد افتاد. همین درخواست عفو بین‌الملل برای بازداشت و محاکمه مقامات مسئول جمهوری اسلامی به یک گفتمان عمومی تبدیل خواهد شد. خیلی از

جمهوری اسلامی در محاصره مردم

مهران محبی

حکومت کمتر از یک دهه توانست جامعه را به عقب ببرد و دست آوردهایشان را باز پس بگیرد، اما بیش از سه دهه است که این جامعه است که دارد حکومت را مرحله به مرحله به عقب می‌راند و محدوده حضورش را مدام تنگ‌تر می‌کند. جمهوری اسلامی طی ۴۴ سال گذشته فقط با حضور نظامی و نیروهای سرکوبگرش در سطح جامعه معنا پیدا کرده است. هر جا و به هر میزان که توانسته است نیروهایش را مستقر کند، حضورش را هم اعلام کرده است. در غیر این صورت نه از نظر سیاسی، نه فرهنگی و نه ایدئولوژیکی حضور و موجودیت نداشته است.

حالا این حکومت از نزدیک به یک سال پیش با شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" به دنبال قتل مهسا امینی موقعیتش در برابر مردم جامعه با سرعت و شدت به مراتب خیلی بیشتری نسبت به دوره‌ها و سال‌های قبل‌تر ضعیف‌تر گردیده است. انقلاب جاری، حکومت پادگانی و حکومت داخل سنگرهای برپا کرده در خیابان‌ها و کوچه که همیشه حضور و کابوس ترسناکش آدم‌ها را به وحشت می‌انداخت را به معنای واقعی تبدیل به حکومت مکان‌ها، ساعت‌ها و لحظه‌ها کرده است. در سر یک چهارراه مزدورانش حضور دارند، در چهارراه قبلی و بعدی حضور ندارند و این یعنی جمهوری اسلامی از هر سه تقاطع و چهارراه فقط در یکی حضور دارد و آن هم حضوری وحشت‌زده و مضطرب. درحالی که در تقاطع‌ها و چهارراه‌های دیگر مردم به روش دلخواه خود دارند رفت‌وآمد می‌کنند و سرگرم انجام امورات زندگی خود هستند. مزدوران حکومت در یک مکان و یا در یک‌زمان اسلحه به دست دور هم جمع شده و با چشمان نگران به مردم نگاه می‌کنند و وقتی که جل و پلاشان را جمع می‌کنند و به پادگان‌ها و پایگاه‌هایشان بر می‌گردند، باز هم مردم هستند که با انواع رفتارهای ضد مذهبی و ضد ارزش‌های حکومتی اعلام عدم وجود و حضور برای حکومت می‌کنند.

مردم منتفر از جمهوری اسلامی با ادامه انقلاب خود، حکومت را به کلی از جامعه جaro خواهند کرد. حکومتی که با مبارزات سخت و جانانه مردم در ازای از دست رفتن جان‌های فراوان و عزیز امروز به جایی رسیده است که فقط موقتاً می‌تواند در مکان‌ها و زمان‌های محدودی اعلام وجود کند، زمان زیادی به مرگ و سرنوشتی نهائی‌اش باقی نمانده است. انقلاب تا درب پادگان‌ها و پایگاه‌های رژیم پیش رفته است و جوانان با شعارنویسی بر روی درب و دیوار سوراخ‌موش‌هایشان، مشت انقلاب را به آنها نشان می‌دهند.*

جمهوری اسلامی در هیچ دوره‌ای یک حکومت با ثبات نسبی که بتواند به نمایندگی از طبقه حاکم تنش‌ها و جدال‌هایش با فرودستان و جنبش‌های اجتماعی را کاهش دهد و کنترل کند، نبوده است. بلکه یک حکومت متناسب با توازن قوا در برابر جامعه در دوره‌های سپری شده طی ۴۴ سال از حاکمیتش بوده است. می‌توان گفت که کفه ترازو در ابتدا به نفع حکومت سنگین بوده، اما سپس به نفع مردم تغییر کرده است. این حکومت بر خلاف ادعاهایش هیچ‌وقت حکومت با اقتداری نبوده که مردم تابع و مطیعش باشند. بلکه حکومت پیشروی و پس‌روی و جنگ‌وگریز در برابر مردم بوده است. همه انسان‌هایی که سانشان بالای ۵۰ سال است به یاد دارند که در دهه ۶۰ سر هر گذر و چهارراه، سر هر خیابان و کوچه و در هر محله پایگاه‌های بسیج و سپاه را مستقر کرده بودند و دم درب و روی بام پایگاه‌ها سنگر ساخته بودند. مردم حتماً به یاد دارند که پاسداران با اسلحه‌های جنگی زیر پرچم‌های لا اله الا الله و یا حسین درحالی که صدای نوحه و قرآن و عزاداری پخش می‌کردند، درون سنگرها نگاهبانی می‌دادند و می‌خواستند زیر فضای رعب و وحشت پلیسی فرهنگ شهادت‌طلبی ترویج کنند و جامعه را اسلامیزه نمایند. این حکومت، حکومتی است که در دهه ۶۰، نیروهای نظامی‌اش را دقیقاً مانند نیروهای ارتش متجاوز و اشغالگر یک دولت متخاصم در شهرها و روستاها مستقر کرده بود و هر لحظه انتظار حمله از طرف مقابل را می‌کشیدند.

امروز اوضاع به کلی هم برای جمهوری اسلامی و هم برای مردمی که ۴۴ سال مدام با این حکومت جنایت‌کار درگیر جنگ بوده‌اند، تغییر کرده است. جمهوری اسلامی با پایان گرفتن جنگ ۸ ساله با عراق، یال و دمش کوتاه شد، پایگاه‌ها و مقرهای نظامی‌اش را از سطح شهرها و روستاها جمع کرد و در پادگان‌ها مستقر نمود. دیگر قادر به ادامه فضای جنگی در سطح جامعه نبود. هم جامعه دیگر آن شرایط پادگانی و نظامی را تحمل نمی‌کرد و هم باید برای فروکاستن از سطح نارضایتی‌های عمومی نسبت به شرایط زندگی و اوضاع معیشتی، اقداماتی برای درآمدزایی و اداره جامعه صورت می‌داد تا ضمن فریب کردن سران حکومت از راه دزدی و اختلاس، دستگاه سرکوب را هم تأمین مالی می‌کرد و برای این کار نیاز به جلب اعتماد سرمایه‌داران خارجی داشت چون که با وجود اوضاع پادگانی شهرها جلب اعتماد حاصل نمی‌شد. در نتیجه حکومت از دو جهت ناچار به جمع‌آوری پایگاه‌های بسیج و سپاه مستقر در سطح شهرها شد.

جمهوری اسلامی نتوانست به شرطی که دول غربی در کنفرانس گوادلوپ در توافقشان برای حمایت و به قدرت رساندنش گذاشته بودند عمل کند (سرکوب انقلاب و پایان دادن به ناامنی‌ها برای از سرگیری تولید و فعال‌سازی اقتصاد سرمایه‌داری متناسب با نیاز سرمایه جهانی) و آنگاه که در انجام آن وظیفه ناکام ماند، از آنجاکه شرایط اجتماعی و فضای سیاسی جامعه حکومت اسلامی را مدام پس زد و استفرغش نمود، خود به منشأ و عامل اصلی بحران برای خود سرمایه‌داری هم تبدیل شد. جمهوری اسلامی به‌خاطر عدم‌پذیرش مشروعیتش از سوی جامعه نتوانست به دولت و حکومتی تبدیل شود که به شیوه دولت‌های متعارف، وظیفه تعدیل جدال‌های روزمره طبقاتی را تا حد ممکن که طبقه استثمارگر برای تولید و بهره‌کشی از نیروی کار استثمارشوندگان مانع جدی ای در مقابل خود نداشته باشد به انجام رساند.



فضای کردستان در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی یک سؤال از نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب



مراجع قضایی معرفی می‌کنند. پاسخ مردم به رادان کوبنده بود. وقتی به تهدید او نگذاشتند. شنبه‌های بی‌حجابی اعلام شد و ۱۲ تشکل دانشجویی از شهرهای مختلف در فراخوانی از دانشجویان سراسر کشور خواستند که در مقابل نیروهای سرکوب ایستادگی کنند و این خاکریز اول حکومت را که در طی انقلاب فتح شده است حفظ و تثبیت کنند. این فراخوان بسیار هوشیارانه و بموقع بود و با استقبال وسیعی در جامعه روبرو شد. به دنبال آن ۵۰ تشکل جوانان و دانشجویان و زنان کمپین تاپستان سخت برای جمهوری اسلامی و فراخوان به بی‌حجابی سراسری با پرچم منشور مطالبات پیشرو زنان را اعلام کردند. بی‌حجابی کمتر نشد؛ بلکه بر دامنه‌اش افزوده شد و فراخوان رادان با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد. ۲۶ فروردین به نقطه عطفی در مبارزه علیه حجاب تبدیل شد. ناتوانی حکومت برای مردم عیان‌تر شد و حکومت در موقعیت دشواری قرار گرفت. لایحه نیم‌بند حجاب و عفاف که توسط قوه قضاییه به دولت و از دولت به مجلس ارجاع شد محصول این توازن قوای جدید بود.

امروز بی‌حجابی بارزترین جلوه انقلاب برای سرنگونی حکومت است. محمد دهقان معاون حقوقی رئیسی نکته درستی گفته بود که "اگر قرار

باشد در کشور حجاب نباشد اصلاً جمهوری اسلامی خیلی معنا پیدا نمی‌کند." حجاب سمبل حکومت اسلامی است. اما این سمبل زیر سؤال رفته و این سنگر و خاکریز مهم توسط زنان و با زور انقلاب درهم شکسته است. وجود حتی یک زن بی‌حجاب در روز روشن در خیابان‌های کشور یعنی "بی‌معنا شدن" و زیر سؤال رفتن جمهوری اسلامی. حالا این را

ضریب میلیون‌ها مورد بی‌حجابی و مقابله جانانه بی‌حجابان با اوباش حکومت کنید تا معنی جنبش بی‌حجابی روشن‌تر شود. هر کس یا به خیابان می‌گذرد با مشاهده اولین زن بی‌حجاب متوجه می‌شود که اوضاع جامعه عادی نیست و انگار اسلام از قدرت پایین کشیده شده. این از نظر روان‌شناسی جامعه و همین‌طور تأثیرات مخرب آن روی حکومت و انواع و اقسام نیروهای آن اهمیت بسزایی دارد. همه می‌بینند که اقتدار رژیم درهم شکسته است. حتی اگر خری از اعتصابات و اعتراضات هر روزه مردم بر سر نان‌و آب و مراسم‌های بزرگداشت جان‌باختگان و شعاریسی‌های هر روزه و هزار جور دهن کجی و مبارزه دیگر در کار نبود، نفس بی‌حجابی یعنی یک انقلاب و کشمکش عظیم اجتماعی در کشور جریان دارد. یعنی در میانه یک انقلاب هستیم و در زمینه حجاب قدرتی دوگانه برقرار شده است و حکومت که زمانی یک‌دزد بیرون بودن موی زنان را با اسید و شلاق و زندان جواب می‌داد، در حالت هزیمت قرار گرفته است.

خلاصه کنم، جنبش توده‌ای و نهادینه شده بی‌حجابی بر متن انقلاب زن زندگی آزادی، همه فاکتورهای سیاسی را دگرگون کرده است. مردسالاری

انترناسیونال: جنبش ضد حجاب در ایران گسترده است و توجه وسیعی را به خود جلب کرده است. حکومت تلاش دارد با نیروی انتظامی و دستگیری و تهدید و ارباب این جنبش را عقب بزند. شما جنبش علیه حجاب را چگونه می‌بینید و از نظر شما اهمیت آن چیست و چه ارزیابی‌ای از این جنگ و تقابل دارید؟

اصغر کریمی: اولین نکته مهم این است که بی‌حجابی در ایران نهادینه شده و به عقب برنمی‌گردد. با هیچ درجه سرکوبی برنمی‌گردد. نکته دیگر اینکه مسئله فراتر از بی‌حجابی صرف است. فرهنگ مردسالاری در جریان انقلابی که از ۲۵ شهریور سال قبل شروع شد به شدت ضربه خورده و موقعیت زنان در خانواده و در جامعه به جای دیگری رفته است. زانی که در خط مقدم انقلاب در مقابل حکومت ایستادگی کردند، در مقابل فرهنگ مردسالارانه نیز با توانایی و اعتمادبه‌نفس متفاوتی شروع به مقاومت کردند و فضای خانواده‌ها دستخوش تغییراتی مهمی شده است. این فاکتورها زیرآب فرهنگ و سنت‌ها و قوانین و بنیادهای سیاسی و ایدئولوژیک حکومت را زده است.

این وضعیت ادامه چند دهه مبارزه بی‌امان زنان و کل جامعه با حکومت است. تا قبل از شروع انقلاب زن زندگی آزادی، چندین نسل مبارزه کرده، هزینه غیر قابل توصیفی داده بودند و عقب‌نشینی‌های زیادی به حکومت تحمیل کرده بودند. اما با شروع انقلاب اوضاع به نقطه بی‌بازگشتی رسید. انقلاب که زنان خود در خط مقدم آن بودند، چنان قدرتمند بود که تأثیرات زیور و کونده‌ای در اوضاع

سیاسی جامعه و قبل از هر چیز در موقعیت زنان در جامعه گذاشت. اجازه بدهید به طور فشرده به سیر این جنگ و تقابل میان حکومت و بی‌حجابان و برخی نقطه عطف‌ها اشاره کنم تا تصویر روشن‌تری از این جدال عظیم اجتماعی و اهمیت آن داده شود.

بعد از اینکه تظاهرات‌های خیابانی فروکش کرد رژیم به طور متمرکزتر سراغ مسئله بی‌حجابی که به اصلی‌ترین نماد انقلاب تبدیل شده بود، رفت. در طول انقلاب بی‌حجابی گریخته بود. حجاب‌ها به آتش کشیده شد. بی‌حجابی در سراسر کشور از شهرها تا روستاها ابعادی توده‌ای پیدا کرد. زنان در موقعیت تعرضی‌تری قرار گرفتند. گشت ارشاد و مزدوران نه‌ای‌امنکر از خیابان‌ها جمع شدند و رژیم از تقابل با زنان بی‌حجاب در خیابان به شدت ناتوان شد. در چهارشنبه‌سوری و نوروز و سیزده‌بدر باز هم ابعاد بی‌حجابی وسیع‌تر شد و رقص جمعی زنان بی‌حجاب و مردان، دیوارهای آپارتاید جنسیتی را فروریخت. در چنین مقطعی بود که در روز ۲۵ فروردین رادان، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی، اعلام کرد که از شنبه ۲۶ فروردین نیروی انتظامی به مدت سه روز در حوزه معابر عمومی و خودرو و اماکن تجاری به زنان بی‌حجاب تذکر لسانی می‌دهند و آنها را به



جامعه‌ای انفجاری در آستانه سالروز انقلاب
از صفحه ۲

متن کامل نامه سپیده قلیان

من با صدای تو زندگی کرده‌ام، مهدی یراحی. تو می‌توانستی در سمت قدرت بایستی. می‌توانستی سفیر حاکمیت باشی و در تورهای اروپایی، نمایش رنگین ایفا کنی تا سفره رنگین داشته باشی. اما تو جای دیگری ایستادی. می‌دانستی هزینه دارد و صدای ما در خوزستان شدی. می‌دانستی هزینه دارد و صدای «مظاهرات سلمیه» زن عرب شدی. صدای سپیده رشنو در مقاومت علیه حجاب اجباری، صدای توماج، صدای کارگران، زندانیان و تمام آنانی شدی که زاده رنج‌اند.

من با صدای تو زندگی کرده‌ام، مهدی یراحی. من تمام خوزستان که جانم است را با صدای تو گزر کرده‌ام. در زمان سیل و در زندان سپیدار با ترانه‌های تو رقصیدیم و از نو بلند شدیم. من جای تو را در قلب مردم دیدم. همان مردمی که تو و امثال تو را به جرم گفتن از رنج‌هایشان، چه از سوی دیکتاتوری غالب و چه از سمت دیکتاتورهای مغلوب انگ «تجزیه‌طلبی» خورده‌اند. آنها از همین مردمی بودن، بی‌شلیه‌وپله و حتی به‌غایت معمولی بودند و اما به‌شدت یگانه و شگفت‌انگیزت می‌ترسند.

من با صدای تو زندگی کرده‌ام، مهدی یراحی. من زندگی را با صدای تو چشیده‌ام، مهدی یراحی. تو را چیزهای زیادی به من پیوند می‌زدند. «سفر چرا بمان و پس بگیر» این حرف و صدای تو را تنها کسی درک می‌کند که انتخاب رفتن و سفر از وطن پیش رویش بوده و اما تصمیم به ماندن و پس گرفتن، گرفته است.

من با صدای تو زندگی کرده‌ام، یراحی. موطنم را نفس کشیده‌ام، تبعید را دوام آورده‌ام با صدای تو، از این‌رو خوب می‌دانم کار بزرگ تو، نه در روزهای اوج جنبش که در روزهای اوج سرکوب، در روزهای محبوس شدن صداهای انقلاب رقم خورد. وقتی تمام تلاش دستگاه سرکوب مُسری کردن ترس و سکوت بود، تو سکوت را شکستی و از حیات «زن، زندگی، آزادی» خوانندی تا به یاد همه بیاوری که زن، زندگی، آزادی، نه فقط لحظه و برشی از تاریخ که جنبشی همچنان مداوم است.

حالا دستگاه سرکوب می‌خواهد تو و صدایی که تا عمیق‌ترین حدود قلب‌های مردم رسیده است را با انفرادی و فشار مجبور به اعتراف اجباری کند. این تویی که به‌خاطر انتشار اعترافات سپیده رشنوی عزیز و قهرمان ما پخش آثار در صداوسیما نکبت جمهوری اسلامی را ممنوع کردی، این تو بودی که به‌خاطر بازخیشیدن کرامت کارگر فولاد با لباس کارگر به صحنه رفتی، این تو بودی که هم‌زمان هم علیه استبداد خوانندی و هم از بی‌زاری از نکبت جنگ سرودی و من فکر می‌کنم کاش این صدای من میله‌های زندان اوین را طی کند و به انفرادی تو برسد که بدانی «به نام او که اسم رمز ماست» می‌مانیم تا پس بگیریم.

سپیده قلیان. زندان اوین

۷ شهریور ۱۴۰۲

کشور "نسبت به ازسرگیری اعتراضات ابراز نگرانی کرد و گفت "دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و راهکار مقابله با آن "پیشگیری" است". او در سخنانش انقلاب مهسارا "قوی‌ترین، خطرناک‌ترین، جدی‌ترین، نابرابرترین و وسیع‌ترین پیکار بر ضد نظام جمهوری اسلامی" خواند و این حرف تک‌تک سران این حکومت است که از هراس انقلاب خواب از چشمشان ریوده شده. باید قدرت خود را ببینیم و تمام این تصویر را جلوی خود بگذاریم تا برای شروع دیگری از انقلاب در ابعاد قدرتمندتر در این سالگرد انقلاب آماده باشیم. امسال حتی فضا برای تجمعات و اعتصابات سراسری فراهم‌تر است. از جمله تجمعات بازنشستگان و فراخوان‌هایشان به اتحاد کارگری برای اعتراض و نیز اولتیماتوم‌های اعتراضی در میان دیگر بخش‌های کارگری نشانگر این آمادگی است. با تمام قوا برای تجمعات و اعتصابات سراسری و پایان‌دادن به بساط جهنمی جمهوری اسلامی متحد شویم. زنده‌باد انقلاب *

فضای کردستان در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی
از صفحه ۷

جان‌سخت و مزمن مورد هجوم قدرتمند زنان و مردان مدرن و پیشرو قرار گرفته، دیوارهای آپارتاید جنسی. شکسته شده، خاکریز سیاسی و ایدئولوژیک حکومت درهم‌ریخته و اقتدار حکومت تماماً زیر سؤال رفته است. تشنّت در سرتاپای حکومت عمیق‌تر شده و ریزش در سطوح مختلف حکومت ابعادی تازه گرفته است. این کشمکش و این جنگ عظیم و تاریخی به‌مثابه وجهی و ستونی از انقلاب تا سرنگونی حکومت ادامه خواهد یافت. نه زنان حاضرند کوتاه بیایند و دستاورد تا همین‌جا خود را پس بدهند و نه حکومت می‌تواند رسماً با بی‌حجابی کنار بیاید.

حکومت از همه طرف دچار بحران است، از خیزش گرسنگان و عروج جنبش کارگری نگران است، جنبش دادخواهی حتی یک روز فروکش نکرده و با شروع انقلاب بار دیگر اوج می‌گیرد، دانشجویان، جوانان و زنان دارند خود را برای سالگرد انقلاب آماده می‌کنند، حکومت در سطح منطقه مشغول عقب‌نشینی و در سطح بین‌المللی بی‌آبرو و تحت‌فشار است. اعتراضات مختلف از همه طرف و هر روز جریان دارد و هیچ فاکتوری که یک‌ذره بحران اقتصادی و سیاسی حکومت را کاهش بدهد در چشم‌انداز قرار ندارد. در چنین شرایطی حکومتیان لحن خود را علیه زنان بی‌حجاب تندتر کرده و تمام ابزارهای خود را علیه آنان به کار انداخته‌اند. اما خودشان هم اطمینان دارند که قادر به عقب‌برگرداندن تحولات فکری، سیاسی و فرهنگی عمیقی که در جامعه رخ داده است و قادر به مقابله با جنبش عظیم بی‌حجابی نیستند و بی‌حجابی به‌عنوان یک نماد مهم انقلاب و تا سرنگونی حکومت همچنان به پیشروی ادامه خواهد داد.*

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

زن، زندگی، آزادی

اطلاعه‌های هفته اخیر

کاری‌شان تجمع داشتند. تجمع‌کنندگان در برابر تعرض نیروی سرکوب حکومت با فریاد "بی‌شرف، بی‌شرف"، و "ما همه با هم هستیم"، مسئول بی‌لیاقت کجایی؟ کجایی؟" نفرت خود را از سرکوبگران بیان می‌کردند. تجمع‌کنندگان همچنین با شعار "کارکنان داد بزن، حق‌تو فریاد بزن" اعلام کردند که تجمع فردا هم ادامه خواهد داشت و تا رسیدن به حق خود به تجمعاتشان ادامه می‌دهند. در همین رابطه در چهارم شهریور کادر درمان بیمارستان‌های اصفهان و مشهد نیز تجمع داشتند. در اصفهان این تجمع مقابل استانداری برپا شد. معترضین شعار می‌دادند "ما زحمت‌ها کشیدیم، هزینه‌اش را ندیدیم".

عدم اجرای وعده‌ها و قول‌هایی که در زمان همه‌گیری کرونا داده شده، اخراج بسیاری از پرستاران و کادر درمانی که ذیل طرح‌های مختلف در زمان کرونا جذب و علی‌رغم وعده‌ها از استخدام آنها خودداری شده، تبعیض در پرداخت تعرفه‌های پرستاری و عدم اجرای کامل آن، اضافه‌کاری‌های اجباری با حقوق ناچیز، کمبود پرستار و فشار سنگین کاری، و سطح نازل حقوق‌ها از جمله موضوعات اعتراضات پرستاران و کادر درمان است.

در روز پنجم شهریور همچنین معلولین در تهران در مقابل نهاد ریاست جمهوری و در خوزستان و کرمانشاه در مقابل ساختمان سازمان بهزیستی در اعتراض به وضع اسف‌بار معیشتی و محرومیت از اولیه‌ترین نیازهای درمانی خود تجمع کردند. اجرای ماده ۲۷ "قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت" که حداقل‌هایی برای معیشت آنهاست خواست فوری معلولین است. بر اساس این ماده دولت مکلف است که کمک‌هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنواری کشور منظور کند. اگرچه حداقل دستمزد نیز خود چندین بار زیر خط فقر است. اما دولت ۵ سال است که از انجام این کار سریاز زده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ شهریور ۱۴۰۲، ۲۷ اوت ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



اعتراضات خشمگین بازنشستگان تأمین اجتماعی، پرستاران و معلولان در چندین شهر

درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید

امروز پنجم شهریور بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون دیگر یکشنبه‌ها با خشم بسیار و در اعتراض به وضع اسفناک زندگی و برای پیگیری خواست‌هایشان مقابل تأمین اجتماعی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای شوش، کرمانشاه، دزفول، و شوشتر جریان یافت.

در شوش بازنشستگان از کرخه، هفت‌تپه و شهر شوش در کنار هم تجمع داشتند و با پهن کردن سفره‌ای خالی و با شعار "سفره بی‌نان ما، چی می‌خواهید از جان ما" صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی بلند کردند.

در اهواز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد شعار "لشکری! کشوری! فولادی، تأمین اجتماعی! اتحاد! جمعیت میلیونی بازنشستگان در سطح سراسری را به اعتراض فراخواندند. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان شعار می‌دادند: "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید"، "تجمع اعتراض حق مسلم ماست"، "به دزدی عادت کردن تامينو غارت کردن"، "حاصل کار دولت غارت جیب ملت"، "کو مهار تورم؟ دروغ می‌گین به مردم".

دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این روز در شهرهای مختلف عبارت بودند از: "تامينو غارت کردند ما را بیچاره کردند"، "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند"، "بازنشسته داد بزن، حق‌تو فریاد بزن"، "حقوق نصفه‌نیمه، ساکت بشیم همینه"، "حقوق ما دلاریه، هزینه‌ها ریالیه"، "بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "تورم، گرانی، بلای جان مردم"، "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست"، "از خوزستان تا گیلان، ننگ بر مدیران"، "وعده‌هاشون چه خوب بود/ ولی همش دروغ بود"، "میرهاشم حیا کن، سازمانو رها کن"، "پیام ما به دولت، خجالت، خجالت"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "دولت سرسپرده گرونی رو آورده"، "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "ننگ ما ننگ ما صدواوسیمای ما"، "ما می‌گیم حقوق کمه، قیمت نون گران میشه"، "تورم اسف‌بار حاکم شده بر بازار"، "اختلاس، گرانی، بلای جان مردم"، و "نه وعده نه بازی/ اجرای همسان‌سازی". با این شعارها بازنشستگان خشم و اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌ها ابراز کردند.

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و البرز غریبی در اعتراض به گرانی و تورم و برای پیگیری خواست‌های پاسخ‌نگرفته خود از جمله درمان رایگان، همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش سطح آنها و پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ مقابل دفتر بازنشستگی تجمع داشتند. در اصفهان بازنشستگان فولاد در خیابان نشاط تجمع داشتند و شعار می‌دادند: "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشان"، و "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون".

بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم علیه فقر و بی‌تامینی هستند و در آستانه سالگرد انقلاب نقش مهمی در تحرک مبارزاتی در سطح جامعه دارند. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد مبارزاتی همه بخش‌های بازنشستگان و اتحاد کارگران شاغل و بازنشستگان و حمایت وسیع مردمی از این مبارزات تأکید دارد.

در این روز همچنین پرستاران و کادر درمانی میلاد در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پرداخت معوقات مزدی خود و شرایط سخت

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات

و اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک

شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد

امروز ششم شهریور بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی در سطح سراسری مقابل شرکت‌های مخابرات در شهرهای مختلف تجمع داشتند. بخش‌های مختلف بازنشستگان هرکدام معمولاً در یک روز هفته تجمع و اعتراض می‌کنند. در عین حال باتوجه به اینکه تمام بازنشستگان خواست‌ها و اعتراضات مشترکی دارند، یکی از شعارها و تلاش‌های بازنشستگان کارزار متحد همه بخش‌ها علیه مفت‌خوران و چپاولگرانی است که صندوق‌های بازنشستگی را نیز از دستبرد و غارت بی‌نصیب نمی‌گذارند.

شهرهایی که در آنها بازنشستگان مخابرات تجمع کردند عبارت‌اند از: ساری، سنندج، ایلام، شهرکرد، کرمانشاه، گرگان، اصفهان، شیراز، رشت، ارومیه، بروجرد، تبریز، خرم‌آباد و بندرعباس.

در کرمانشاه بازنشستگان با شعارهایی نظیر "دشمن بازنشسته مدیر بی‌لیاقت" به طرف ساختمان مخابرات حرکت کرده و با فریاد "تا حق خود نگیریم، دوشنبه‌ها می‌آییم"، بر تداوم مبارزات خود تأکید کردند. این بازنشستگان با شعار شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد جمعیت میلیونی بازنشستگان و کارگران شاغل را به اعتراض علیه فقر و گرانی و بی‌تامینی فراخواندند. دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "گرانی تورم بلای جان مردم"، "مخبر حیا کن، آیین‌نامه را اجرا کن"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "تا حق خود نگیریم، دوشنبه‌ها همینه"، "تا حق خود نگیریم، از بی‌نشینیم"، "شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "وعده‌و وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، و "تا حق خود نگیریم هر روز همین بساطه".

اعتراض بازنشستگان به فقر و گرانی و بی‌تامینی و پاسخ نگرفتن مطالباتشان از جمله عدم اجرای کامل آئین‌نامه پرسنی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی آنهاست. درمان رایگان یک خواست سراسری بازنشستگان است. همانطور که قبلاً گزارش کردیم روز گذشته بازنشستگان تأمین اجتماعی تجمع داشتند و بنا بر آخرین خبرهای این تجمعات در شهرهای شوش، کرمانشاه، بابل رشت، دزفول و شوشتر برگزار شد. در اصفهان و البرز غربی نیز روز گذشته تجمع داشتند و طبق آخرین گزارش در اصفهان بیش از هزار بازنشسته فولاد مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کرده و شعار فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن را سر دادند. حضور زنان در این تجمع برجسته بود.

اعتراضات بخش‌های مختلف در سطح سراسری، آن هم در آستانه سالگرد انقلاب نقش مهمی در تحرک مبارزاتی در سطح جامعه دارند. اتحاد مبارزاتی همه بخش‌های بازنشستگان، اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته که یک شعار کلیدی اعتراضات بازنشستگان است و حمایت وسیع مردمی از این مبارزات بسیار مهم و ضروری است.

اتفاق شورانگیز دیگر حمایت مردم از تجمع بزرگ پرستاران و کادر درمانی بیمارستان میلاد در تهران بود. در این حرکت اعتراضی مراجعین به بیمارستان به تجمع کادر درمان پیوستند و در تجمع مردمی را می‌بینیم که خطاب به کادر درمانی معترض می‌گوید ما شما را حمایت می‌کنیم. پرستاران و کادر بیمارستان میلاد همچنین دیگر پرستاران و کادر درمانی در سطح سراسری به سطح نازل حقوق‌ها، فشار سنگین کاری، استاندارد پایین بهداشتی بیمارستان‌ها، اخراج و وضعیت نابسامان کاری و معیشتی‌شان است. پرستاران و کادر درمان بیمارستان میلاد تهران بعلاوه به عدم پرداخت دستمزد، عدم پرداخت حق بیمه کارکنان و مختل شدن مزایای درمانی کارکنان این بیمارستان معترض‌اند.

تجمع اعتراضی دیگر امروز ششم شهریور ما از سوی کارگران ماشین‌سازی اراک در اعتراض به شرایط بد معیشتی و کاری خود و عدم

رسیدگی به مشکلاتشان در مقابل استانداری استان مرکزی برگزار شد. طبق گزارشات این کارگران حدود یک ماه است در اعتصاب و اعتراض به سر می‌برند و آخرین خبر این روز مربوط به تجمع اعتراضی جمعی از کارگران پروژه‌های مرتبط با نگهداری تجهیزات شهری پروژه‌های مؤسسه رایانه شهرداری تهران در مقابل ساختمان اصلی شرکت کنترل ترافیک تهران در خیابان فاطمی است. این تجمع همزمان با برگزاری جلسه هیئت‌مدیره این مؤسسه و در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه حقوق و وضع بد کاری و عدم پاسخگویی مدیران برپا شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ شهریور ۱۴۰۲، ۲۸ اوت ۲۰۲۳

تجمعات اعتراضی باشکوه معلمان بازنشسته

رئیس، قالیباف، این آخرین پیام است

جنبش بازنشسته آماده قیام است

روز ۷ شهریور بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در یکی دیگر از سه‌شنبه‌های اعتراضی خود در مقابل ساختمان صندوق‌های بازنشستگی در شهرهای مختلف تجمع کردند. اعتراض آنان همانند دیگر بخش‌های بازنشستگان به فقر و گرانی، به اختلاس‌ها و تبعیض و به سرکوبگری‌های حکومت و ادامه بازداشت معلمان معترض است. در این اعتراضات بازنشستگان با شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" بر آزادی بدون قیدوشرط معلمان زندانی تأکید کردند. در این روز بازنشستگان کشوری در شهرهایی چون اردبیل، سنندج، ارومیه، تبریز، پلدختر، کرمانشاه، ایلام، یزد، کوه‌دشت، خرم‌آباد، و قزوین تجمع کردند.

در تجمع معلمان در اردبیل در این روز یکی از معلمان به اسم غلامرضا اصغری بازداشت شد و تجمع‌کنندگان با خشم و اعتراض شعار می‌دادند: "غلامرضا اصغری آزاد باید گردد".

در کرمانشاه جمعیت زیادی شرکت داشتند و حضور زنان چشمگیر بود. در این تجمع یکی از معلمان با شعارهایی چون "معلم بیدار است از زندان بیزار است"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" بر عزم معلمان برای مبارزه تأکید کرد و مورد حمایت همه شرکت‌کنندگان قرار گرفت. در این حرکت اعتراضی بنر بزرگی با شعار "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد.

در یزد بازنشستگان شعار می‌دادند: یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه و دست‌نوشته‌هایی با مضمون خواست‌هایشان را در دست داشتند. از جمله تحصیل رایگان، فقط کف خیابان به دست میاد حقمون بر دسته نوشته‌ها می‌درخشید.

در سنندج بازنشستگان شعار می‌دادند: "تا اخراج، تا زندان، ایستادگی تا پایان!"

از دیگر شعارهای بازنشستگان کشوری عبارت بودند از: "وزیر بی‌کفایت استعفا استعفا"، "تورم، گرانی بلای جان مردم"، "همسان‌سازی کجا بود دروغ بود ریا بود"، "نه مجلس، نه دولت، نیستن به فکر ملت!"، "ما همه همبسته‌ایم، از وعده‌ها خسته‌ایم"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "نه وعده نه بازی، اجرای همسان‌سازی"، "حقوق نصفه‌نیمه سکوت کنی همینه"، "معیشت، درمان و رفاه، حق مسلم ماست"، "اجرای همسان‌سازی، بدون حقه‌بازی"، "بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، و "گرانی تورم شکسته پشت مردم".

شعارهای اعتراضی بازنشستگان فریاد رسای اعتراض کل جامعه است. شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد و لشکری، کشوری فولادی تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد دو شعار کلیدی اعتراضات آنها و فراخوانی به تجمعات بزرگ میلیونی کارگری است. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات بازنشستگان اعلام می‌دارد و بر اتحاد مبارزاتی بخش‌های مختلف

آزادی بر مردم وارد شده می‌نویسند: "ما می‌توانیم به قدرت اتحاد و همبستگی‌هایمان زندگی که از ما سلب کرده‌اند را از چنگال کثیف جنایت‌کاران سرکوبگر رها سازیم و تمام آمرین و عاملین کشتارهای چندین‌ساله‌شان را به میز محاکمه و عدالت بکشانیم".

حزب کمونیست کارگری به همه دادخواهان که چنین با قدرت ایستاده و فریاد دادخواهی سر می‌دهند درود می‌فرستد و از فراخوان آنها به اعلام روز ۲۵ شهریور به عنوان روز اعتراض و دادخواهی سراسری مردم در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی حمایت می‌کند. ما هم صدا با دادخواهان بر محاکمه تک‌تک سران این حکومت در دادگاه‌های بین‌المللی تأکید داریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مرداد ۱۴۰۲، ۲۹ اوت ۲۰۲۳

متن کامل بیانیه دادخواهان:

بیانیه دادخواهان به مناسبت سالگرد انقلاب مهسا

۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است

به‌روز ۲۵ شهریور اولین سالگرد مهسا امینی نزدیک می‌شویم. روزی که مهسا دختر جوان ما به‌سادگی توسط مأموران پلیس گشت ارشاد حکومت کشته شد و فیلم آخرین لحظات جان‌باختن وی خشم مردم به‌جان آمده را به انفجاری بدل کرد

به دنبال قتل مهسا اعتراضاتی شروع شد که مردم از آن به‌عنوان انقلاب مهسا (ژینا) یاد می‌کنند.

انقلابی که زندگی را طلب می‌کند و فریادش زن زندگی آزادی است.

امروز یک سال از قتل مهسا (ژینا) امینی که اسم رمز اعتراض به حق ما شد، می‌گذرد و پاسخ حاکمان به ما گلوله‌های آتشی بود که صدها جان عزیزانمان را به کام مرگ کشاند و مجروحانی که چشم‌هایشان را از دست دادند و هزاران خانواده که به صف دادخواهان پیوسته‌ایم.

بازماندگانی که دیگر زندگی برایمان جز دادخواهی معنایی ندارد و هم اینک با نزدیک شدن به سالگرد انقلاب مهسا دستگاه امنیتی سرکوبگر اقدام به دستگیری و زندان و تهدید دادخواهان کرده است.

درحالی که ما عزیزانمان را از دست داده‌ایم و دیگر حتی مرگ نیز برایمان هراسی ندارد و شاهد پاسخ مشترک و متحدانه خانواده‌های دادخواه به موج سرکوب جدید حاکمان بوده‌ایم که بین ما با تن بی‌جان جگرگوشه‌هایمان بر دوش و شما با زندان‌ها و شلاق‌ها و تهدیدهایتان، تنها یک جمله باقی است:

قسم به خون یاران؛ ایستاده‌ایم تا پایان.

همچنین به همراه مردمی که هرگز تنهایمان نگذاشتند و با اشکال مختلف از ما حمایت و پشتیبانی کردند، توانستیم با هم صدای‌هایمان گوش دنیا را پر کنیم و اینک در نزدیکی اولین سالگرد روز مهسا شاهد صدور بیانیه‌ای از طرف سازمان عفو بین‌الملل بوده‌ایم که به فشارهای سیستماتیک واردآمده بر دادخواهان و ظلم‌هایی که در حق خانواده‌ها روا داشته می‌شود اشاره کرده و از اینکه حتی به سنگ مزار جان‌باختگان نیز رحم نمی‌کنند.

همچنین در بخشی از بیانیه فوق آمده «باتوجه به نظام‌مند بودن مصنوعیت از مجازات در ایران، عفو بین‌الملل از همه دولت‌ها می‌خواهد که از صلاحیت قضایی جهانی استفاده کنند و برای مقامات ایرانی از جمله آنهایی که مسئولیت فرماندهی دارند، حکم بازداشت صادر شود».

این قدمی در راه نتیجه‌بخش بودن مبارزاتمان است و برای ما امیدبخش است.

ما می‌توانیم به قدرت اتحاد و همبستگی‌هایمان زندگی که از ما سلب کرده‌اند را از چنگال کثیف جنایت‌کاران سرکوبگر رها سازیم و تمام آمرین و عاملین کشتارهای چندین‌ساله‌شان را به میز محاکمه و عدالت بکشانیم.

۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است روزی که عزیزان ما به‌پاس

بازنشستگان که ۲۵ میلیون جمعیت را شام می‌شوند و اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته تأکید دارد. از مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

گفتنی است که امروز هفتم شهریور اعتراضات کارگران ماشین‌سازی در اراک وارد پانزدهمین روز خود شد. این کارگران با شعار "کارگر داد بزن حق‌تو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند. اعتراض این کارگران همچون دیگر بخش‌های کارگری به شرایط بد معیشتی و کاری و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مرداد ۱۴۰۲، ۲۹ اوت ۲۰۲۳

از فراخوان دادخواهان به مناسبت سالروز انقلاب زن زندگی آزادی حمایت می‌کنیم

نهاد دادخواهان در بیانیه‌ای منتشر شده در کانال تلگرامی خود در فراخوانی با عنوان " ۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است" از همگان خواسته است که روز ۲۵ شهریور را به‌روز دادخواهی و به‌روز اعتراض سراسری تبدیل کنند. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است:

" ۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است. روزی که عزیزان ما به‌پاس زندگی و با اسم رمز مهسا به خیابان آمدند و فریاد " زن زندگی آزادی " سر دادند. ما نیز از این پس به قدرت اتحادمان، ۲۵ شهریور، روز مهسا را به‌روز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد. کارهایمان را تعطیل می‌کنیم و مزار و محل کشته‌شدن عزیزانمان را گل‌باران می‌کنیم. از همه انسان‌هایی که معنی زندگی را در آزادی می‌دانند می‌خواهیم با هر شکلی که می‌توانند این روز را به‌روز اعتراض سراسری بدل سازند.

با سردادن شعر و ترانه و سرودهایی که یادآور عزیزان جان‌باخته‌مان است یادشان را جاودانه سازیم و حق شادی و رفاه را فریاد کنیم. دیوارهای شهر را از نام و عکس عزیزان جان‌باخته‌مان پر کنیم و هر کوی و برزن صدای دادخواهی را به هر شکلی بلند کرده و خواب آسوده را از چشمان جنایت‌کاران قاتل برهانیم.

بعد از روز مهسا هر روز سالگرد عزیزی در راه است که یادآور اعتراضات به حق ماست.

از همه تشکل‌ها و نهادهای مدافع حقوق انسانی می‌خواهیم که روز مهسا را به‌روز همبستگی سراسری و دادخواهی زندگی بدل سازیم. ما جز زندگی چیزی نمی‌خواهیم و آزادی حق ماست و به قدرت اتحادمان پیروز می‌شویم".

دادخواهان در بیانیه خود همچنین به سرکوبگری‌های حکومت اشاره کرده و قاطعانه اعلام می‌دارند:

" امروز یک سال از قتل مهسا (ژینا) امینی که اسم رمز اعتراض به حق ما شد، می‌گذرد و پاسخ حاکمان به ما گلوله‌های آتشی بود که صدها جان عزیزانمان را به کام مرگ کشاند و مجروحانی که چشم‌هایشان را از دست دادند و هزاران خانواده که به صف دادخواهان پیوسته‌ایم. بازماندگانی که دیگر زندگی برایمان جز دادخواهی معنایی ندارد و هم اینک با نزدیک شدن به سالگرد انقلاب مهسا دستگاه امنیتی سرکوبگر اقدام به دستگیری و زندان و تهدید دادخواهان کرده است. درحالی که ما عزیزانمان را از دست داده‌ایم و دیگر حتی مرگ نیز برایمان هراسی ندارد و شاهد پاسخ مشترک و متحدانه خانواده‌های دادخواه به موج سرکوب جدید حاکمان بوده‌ایم که بین ما با تن بی‌جان جگرگوشه‌هایمان بر دوش و شما با زندان‌ها و شلاق‌ها و تهدیدهایتان، تنها یک جمله باقی است: قسم به خون یاران؛ ایستاده‌ایم تا پایان" و با اشاره به بازتاب قدرتمند جنبش دادخواهی در سطح جهان و از جمله بیانیه عفو بین‌الملل در نزدیکی اولین سالگرد روز مهسا با خواست بازداشت آمرین و عاملین جنایاتی که در انقلاب زن زندگی

در حمایت از فراخوان

«شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی»

شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی به مناسبت سالروز قتل مهسا (ژینا) امینی و سالگرد انقلاب مردم در شهرها و استان‌های سراسر کشور را به «تجمعات اعتراضی گسترده محله‌محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میدان اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها»، و در شهر سقز و استان کردستان به «حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در کردستان» فراخوانده است.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از این فراخوان حمایت می‌کند و همه احزاب و سازمان‌های آزادی‌خواه، همه تشکلهای و نهادها و چهره‌های مردمی، همه فعالین در عرصه‌های مختلف مبارزه، و همه مردم اعم از زنان و جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان، کارگران و معلمان، بازنشستگان و کادر درمان، خانواده‌های جان‌باختگان و زندانیان سیاسی، هنرمندان و ورزشکاران، نویسندگان، وکلا و استادان دانشگاه‌ها را فرا می‌خواند که از فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی» حمایت کنند تا با قدرت و یکپارچه و با اتحاد و عزمی راسخ انقلابان را تداوم دهیم.

جمهوری اسلامی رفتنی است. بگیر و ببندها و تهدیدات و دستگیری‌های گسترده‌ای که در سراسر کشور شروع شده است بیانگر وحشت حکومت از خیزش مجدد مردم است. اقتدار حکومت از هر نظر درهم‌شکسته است. با تداوم انقلاب باشکوه و آزادی‌خواهانه‌مان حکومت دزدان و قاتلان اسلامی را برای همیشه به گور خواهیم سپرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ شهریور ۱۴۰۲، ۳۱ آگوست ۲۰۲۳

فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی»

مردم مبارز سراسر کشور؛ «انقلاب زن زندگی آزادی»، انقلاب همه ما سرکوب‌شدگان علیه جمهوری اسلامی است!

فراخوان سراسری به مناسبت سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و سالگرد آغاز «انقلاب زن زندگی آزادی» فراخوان ۲۵ شهریور

انقلابیان (انقلاب زن زندگی آزادی با اسم رمز مهسا/ژینا)، یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین انقلابات بشریت، در آستانه یک‌ساله شدن است. یک سالی که بر همه ما بسیار سخت گذشته؛ ما در کنار هم عزیزی را از دست دادیم که یاد و خاطره و آرمان‌خواهی آنها در قلبمان همیشه زنده است.

در این یک سال لحظه‌به‌لحظه کنار هم بودیم و انقلاب و مبارزه را پیش برده‌ایم. رژیم اسلامی علی‌رغم همه جنایاتی که انجام داده؛ اما موفق نشده ما و انقلابیان را متوقف کند و حالا در آستانه یک‌ساله شدن «انقلاب زن زندگی آزادی» هستیم. بله، ما به‌عنوان سرکوب‌شدگان و بخش‌های تحت محرومیت، استثمار و سرکوب جامعه، مصمم‌تر از همیشه برای سرنگونی حکومت جنایت‌کاران و دزدان دوباره به میدان خواهیم آمد.

ما زنانی که برابر یکی از وحشی‌ترین حکومت‌های تاریخ بشریت ایستاده‌ایم، ما دانشجویان و دانش‌آموزانی که برای آینده‌ای بهتر آرام و قرار نداریم، ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و کادر درمانی که برای «زندگی» انسانی و مرفه برای همگان در حال مبارزه‌ایم، ما رنگین‌کمانی‌هایی که آزادی و حقوق انسانی برابر می‌خواهیم، ما خانواده‌های دادخواهی که به امید دادخواهی، باید به سمت نبرد آخرمان علیه این حکومت دزد، سرکوبگر و جنایت‌کار برویم!

برای همه ما، سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) ی ما که اسم رمز انقلابیان شد، فرامی‌رسد.

ما باید دگربار علیه کل موجودیت حکومت بچه‌کش و قاتل جوانانمان،

زندگی و با اسم رمز مهسا به خیابان آمدند و فریاد "زن زندگی آزادی" سر دادند

ما نیز از این پس به قدرت اتحادمان، ۲۵ شهریور، روز مهسا را به‌روز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد.

کارهایمان را تعطیل می‌کنیم و مزار و محل کشته‌شدن عزیزانمان را گل‌باران می‌کنیم.

از همه انسان‌هایی که معنی زندگی را در آزادی می‌دانند می‌خواهیم با هر شکلی که می‌توانند این روز را به‌روز اعتراض سراسری بدل سازند.

با سردادن شعر و ترانه و سرودهایی که یادآور عزیزان جان‌باخته‌مان است یادشان را جاودانه سازیم و حق شادی و رفاه را فریاد کنیم.

دیوارهای شهر را از نام و عکس عزیزان جان‌باخته‌مان پر کنیم و هر کوی و برزن صدای دادخواهی را به هر شکلی بلند کرده و خواب آسوده را از چشمان جنایت‌کاران قاتل برهانیم.

بعد از روز مهسا هر روز سالگرد عزیزی در راه است که یادآور اعتراضات به حق ماست.

از همه تشکلهای و نهادهای مدافع حقوق انسانی می‌خواهیم که روز مهسا را به‌روز همبستگی سراسری و دادخواهی زندگی بدل سازیم. ما جز زندگی چیزی نمی‌خواهیم و آزادی حق ماست و به قدرت اتحادمان پیروز می‌شویم.

زنده‌باد انقلاب مهسا

دادخواهان

شهریور ۱۴۰۲

ادامه اعتراضات کارگران ماشین‌سازی اراک

و تجمع کارگران زغال سنگ طبس

روز هشتم شهریورماه اعتصاب کارگران ماشین‌سازی اراک در بخش‌های مونتاژ ساخت و تجهیزات دیگ بخار متالورژی وارد هجدهمین روز خود شد. در این اعتراضات کارگران با شعارهای "مدیر بی‌لیاقت نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم"، "کارگرداد بزن، حق‌تو فریاد بزن"، صدای اعتراض خود را بلند کردند. اعتراض این کارگران به عدم پرداخت حقوق‌هایشان و شرایط بد معیشتی و کاری و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان است.

روز هفتم شهریور کارگران کارخانه "زغال سنگ پرورده" ی طبس در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و وضع اسفناک کاری و معیشتی‌شان تجمع کردند. این تجمع در مقابل استانداری خراسان جنوبی بر پا شد.

در این روز همچنین در نتیجه سوخت ضایعات، انفجاری در پتروشیمی غدیر در منطقه ویژه اقتصادی روی داد. این انفجار در مخزن ۵۰۴ پی‌وی سی صورت گرفت و در نتیجه دود در منطقه ویژه اقتصادی پخش شد. از صدمات انسانی این انفجار هنوز خبری منتشر نشده است. انفجار در پتروشیمی غدیر نمونه دیگری از عدم ایمنی محیط‌های کاری در مراکز نفتی است که هر روزه از کارگران قربانی می‌گیرد. یک خواست اعتراضی کارگران نفت این شدن فوری محیط کار و بکارگیری تجهیزات لازم ایمنی بالاترین استاندارد است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مرداد ۱۴۰۲، ۳۱ اوت ۲۰۲۳

مردم کردستان خود را برای تعطیل عمومی در سالگرد انقلاب آماده می‌کنند!

نهادهای امنیتی شهرهای مهاباد و بوکان، کسبه و بازاریان این شهر را تهدید کرده‌اند تا از بستن مغازه‌های خود در سالگرد اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ خودداری کنند. همچنین در روزهای گذشته نهادهای امنیتی با دستگیری و تهدید تعدادی از خانواده‌های جان‌باختگان انقلاب از آنها خواسته‌اند که در سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی در شهرهایی که عزیزانشان دفن شده‌اند، حضور نداشته باشند.

این تهدیدها فقط نشانه این است که کسبه و بازاریان شهرهای کردستان دارند خود را برای تعطیل عمومی و خانواده‌ها برای مراسم بزرگداشت عزیزان خود آماده می‌کنند. ترس و وحشت حکومت بی‌دلیل نیست. حکومت تصور می‌کند می‌تواند با تهدید و دستگیری مردم را عقب براند.

از خانواده‌های جان‌باختگان با تمام قوا حمایت کنیم، در مراسم‌هایشان فعالانه شرکت کنیم و از همین‌لان خود را برای تعطیل عمومی و سراسری کلیه محل‌های کار، مغازه‌ها و بازار آماده کنیم. زنان شجاع و مبارز که سنگر حجاب را درهم شکسته‌اند، را فرامی‌خوانیم که در سالگرد انقلاب تماماً بدون حجاب اسلامی به خیابان بیایند و گام دیگری انقلاب را به جلو ببرند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، ا فشار مختلف مردم کردستان را فرامی‌خواند که با تمام قوا خود را برای سالگرد انقلاب، روز ۲۵ شهریور، روزی که مهسا (ژینا) را بی‌رحمانه به قتل رساندند آماده کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۶ شهریور ۱۴۰۲، ۲۸ آگوست ۲۰۲۳

گامی دیگر در مسیر بایکوت جمهوری اسلامی

طبق توثیق وزیر مهاجرت کانادا، حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر سابق بهداشت جمهوری اسلامی (دوره حسن روحانی) در سه سال آینده اجازه سفر و برگشتن به کانادا را نخواهد داشت. این اقدام پس از آن صورت گرفت که ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی حسن قاضی‌زاده را در فرودگاه شناسایی کردند، آن را علنی کردند و به دولت کانادا فشار آوردند تا مانع حضور این جنایت‌کاران در کانادا شود.

دولت کانادا سفارت رژیم اسلامی را از سال ۲۰۱۳ به دلیل مرکز جاسوسی و اقدامات تروریستی تعطیل کرده است. همچنین سه پارلمان کانادا در کبک، انتاریو و اتاوا یک روز را به‌عنوان روز زندانیان سیاسی ایران به رسمیت شناخته و قتل‌عام تابستان سال ۶۷ را نیز به‌عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته‌اند و اگر چه هنوز سپاه پاسداران را به‌عنوان یک سازمان تروریستی به رسمیت شناخته؛ اما بیش از ده‌هزار نفر از پاسداران را تحریم و چند صد بسته تحریمی دیگر نیز علیه سران رژیم اعمال کرده است.

این قدر دول غربی را تحت فشار قرار خواهیم داد که دیگر اجازه ورود به هیچ مقام سابق و فعلی جمهوری اسلامی که دستشان به خون مردم آلوده است، ندهند و هر نوع سازشی برای آنها پر هزینه شود. این قدر فشار می‌آوریم که جمهوری اسلامی را مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی بایکوت کنند. بایکوت جهانی جمهوری اسلامی زمینه را برای سرنگونی آن مساعدتر می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران - تشکیلات کانادا
۳۱ آگوست ۲۰۲۳

قاتل امیدها و آرزوهایمان، بایستیم و فریاد «زن زندگی آزادی» سر بدهیم. بعد از یک سال مبارزه نفس‌گیر، دوباره به خیابان برمی‌گردیم.

در سالروز قتل که کاسه صبرمان را لبریز کرد و سیل خروشان انقلاب را روانه خیابان‌های سراسر کشور کرد، برمی‌خیزیم و با اسم رمز «مهسا/ژینا»، دگربار لرزه بر تن متجاوزان و قاتلان می‌اندازیم.

از امروز تا روز ۲۵ شهریور؛ آمادگی برای تجمعات، فعالیت‌های میدانی، تبلیغات، سازماندهی شهری و محله‌ای برای حضور هر چه بیشتر مردم برای سالروز انقلابمان.

فراخوان ما به‌عنوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی» (تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان) رو به عموم جامعه در روز شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۲:

تجمعات اعتراضی گسترده محله‌محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میدانی اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور

در شهر سقز و کل استان کردستان:

حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آییچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در شهرهای کردستان

تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان

۶ شهریور ۱۴۰۲

فراخوان سراسری بمناسبت سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و سالگرد آغاز انقلاب زن زندگی آزادی!
مردم مبارز سراسر کشور! این جنگ، جنگ همه ما علیه جمهوری اسلامی است!

#فراخوان ۲۵_شهریور:

تجمعات اعتراضی گسترده محله‌محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میدانی اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور

در شهر سقز و کل کردستان:

حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آییچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در شهرهای کردستان

فراخوان دهندگان:

شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی

(شامل تشکل‌های دانشجویی، دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری جوانان و زنان)

رژیم آپارتاید جنسی در ایران،
مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای
جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!

اطلاعیه شماره ۴ کارزار

"شکنجه دارویی، قتل عمد خاموش دولتی"
جمهوری اسلامی مسئول سلامت و امنیت جان زندانی است!
اسماعیل عبدی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنید!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
 پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۲
 ۱۷ اوت ۲۰۲۳

اطلاعیه شماره ۵ کارزار

"شکنجه دارویی، قتل عمد خاموش دولتی"

قتل جواد روحی جنایتی دیگر که تنها رژیتم مسئول آن است!

دیروز خبر کشته شدن جواد روحی یکی از جوانان بازداشت شده در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" منتشر شد. این خبر تنها یک خبر نبود. شوک دیگری برای جامعه بود. مرگ جواد روحی جنایت دیگری از رژیم و سندی دیگر از شکنجه دارویی، قتل عمد خاموش دولتی است.

جواد روحی از رهبران اعتراضات انقلاب ژینا بود که در خیابان‌ها با سوزاندن حجاب، این نماد تبعیض جنسی و تحقیر زنان، با سردادن شعار زن، زندگی، آزادی و با ولوله و شادی و رقص این پاشنه آشیل جمهوری اسلامی در کنار جوانان و مردم حماسه آفرید.

جواد روحی را با پاپوش دوزی و پرونده‌سازی سه بار به اعدام محکوم کردند. جواد روحی در دفاعی جانانه از خودش همراه با وکیلش، تمام احکامش را توانست به عقب براند.

"بازداشت خودسرانه"، "نگهداری در انفرادی"، "شکنجه‌های روحی و جسمی"، "تحت فشار گذاشتن برای اعترافات اجباری" و "شکنجه دارویی" جواد روحی به مثابه "جنایت علیه بشریت" می‌باشد. کشته شدن جواد روحی پایمال کردن حقوق بشر و شهروندی است که نماینده حکومتش قصد شرکت در نشست سازمان ملل را دارد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ضمن محکوم کردن و فاجعه دانستن مرگ جواد روحی، سیاست و عملکرد جمهوری اسلامی را عامل اصلی تمام جنایات طی چهار دهه گذشته در قبال سلامت و امنیت جان زندانی سیاسی می‌داند و خواستار تحقیقات مستقل بین‌المللی و جوابگویی مسئولین زندان و قوه قضاییه به خانواده جواد روحی و جامعه است. خانواده جواد روحی را تنها نگذاریم. جواد روحی، رهبری از رهبران اعتراضات انقلاب زن زندگی آزادی شایسته باشکوه‌ترین مراسم یادبود است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
 ۱۰ شهریور ۱۴۰۱
 اول سپتامبر ۲۰۲۳



بر اساس توصیه پزشکان زندان کچویی، اسماعیل عبدی، معلم زندانی، طی قراری می‌بایست در روز دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ به پزشک متخصص خارج از زندان مراجعه کند. اما دادستانی با مرخصی درمانی و اعزام ایشان به بیمارستان مخالفت کرد.

اسماعیل عبدی معلم زندانی که حدود ۹ سال است در زندان است از دردهای مزمن در «دست‌ها، انگشتان، عضلات، دندان» سال‌ها رنج می‌برد. وی که ۱۰ ماه پیش، پس از سپری کردن دوران محکومیت خود می‌بایست آزاد می‌شد با بازگشایی پرونده جدیدی همچنان در زندان و با حکم جدید روبروست.

یکی از سیاست‌های غیرانسانی حکومت اسلامی جهت فشار به زندانی سیاسی و خانواده، عدم آگاهانه برخورداری از دارو و درمان است. بسیاری از زندانیان پس از سال‌ها حبس و عدم بهداشت و محیط زیستی سالم به بیماری‌های حاد و بعضاً نا‌علاج مبتلا می‌شوند که نه تنها اجازه درمان ویژه در خارج از زندان به آنها داده نمی‌شود، بلکه از رساندن بموقع دارو توسط خانواده نیز محروم می‌مانند. زنده‌یاد محمد جراحی، آرش صادقی، آتنا دائمی و سهیل عربی نمونه‌های بارز یک زندانی مبتلا به بیماری‌های حاد در زندان هستند.

اسماعیل عبدی یکی از معلمان زندانی است که سال‌هاست به «جرم» مطالبه‌گری‌اش، خود و خانواده‌اش در سخت‌ترین شرایط و فشارها تحت ستم مضاعف قرار دارند.

رژیم اسلامی سال‌هاست برای ارباب زندانی سیاسی، خانواده‌اش و جامعه به سیاست‌های کثیف «حذف فیزیکی» زندانی متوسل شده است.

اما امروز نفع‌ها زندانی سیاسی، این صدای اعتراض جامعه را نتوانسته‌اند خاموش کنند؛ بلکه خانواده هم در کنار زندانی صدای او و صدای دادخواهی شده است.

به دنبال بیانیه اخیر کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به دولت‌ها و سازمان‌های جهانی در رابطه با شکنجه دارویی زندانیان سیاسی، این کمیته کارزاری را جهت جلب توجه جهانی به وضعیت زندانیان سیاسی و بالخصوص قتل خاموش زندانیان اعلام کرده است. ما از همه شما مردم آزادی‌خواه و شریف، سازمان‌ها و نهادهای مدافع

Political prisoners in Iran subjected to pharmacological torture

شکنجه دارویی، قتل عمد خاموش دولتی

#شکنجه‌های_دارویی

#PharmacologicalTorture



www.cfppi.org

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpIran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

https://www.facebook.com/wpIran

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

https://www.wpIran.org/

https://www.instagram.com/wpi91



زنده باد

زن، زندگی، آزادی

زن یعنی احترام به زندگی! یعنی برابری همگان و رفع هرگونه تبعیض!

زن یعنی لغو حجاب اجباری، ممنوعیت حجاب کودک! یعنی لغو همه قوانین ضد زن اسلامی!

زن یعنی پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در ایران!

زن یعنی پایان دادن به هرگونه ستم و تحقیر و توهین مذهبی به زنان و به همه مرد!

زندگی یعنی رفاه و شادی و معیشت و منزلت برای تک تک انسانها!

زندگی یعنی پایان دادن به استثمار و بردگی مزدی! یعنی پایان دادن به نابرابری

اقتصادی!

زندگی یعنی رفاه و حرمت و شادی کودکان!

زندگی یعنی آب و هوای پاک و آفتاب درخشان برای همه!

زندگی یعنی لغو مجازات اعدام و سوزاندن همه چوبه های دار!

زندگی یعنی محاکمه همه آمران و عاملان کشتار مردم، قاتلان مهساها و نیکاها در

انقلاب جاری و در چهار دهه اخیر!

آزادی یعنی به گور سپردن حکومت و سلطه مذهبی و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی

از زندگی مردم!

آزادی یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی و باز کردن درب همه زندانها!

آزادی یعنی انحلال کلیه نیروها و نهادهای سرکوب و جاسوسی علیه مردم!

آزادی یعنی پایان دادن به همه مقدسات و تابوها و دگر و جبر مذهبی تحمیلی بر جامعه!

آزادی یعنی آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اجتماع و اعتراض!

آزادی یعنی حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هرگونه حکومت مافوق مردم!

زن، زندگی، آزادی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه انسانی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهرماه ۱۴۰۱

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com